

مهم ترین سوالات فلسفه (۲) / چاپ ۱۴۰۰ / تنظیم: سیده محبوبه نبوی

درس یازدهم: دوره متأخر

دانش آموزان عزیز توجه داشته باشید این سوالات صرفاً جهت آشنایی شما طراحی شده است لطفاً این مجموعه را در کنار کتاب درسی استفاده کنید.

** درس در یک نگاه **

| مفاهیم | توضیحات |
|------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| متکلمین | دانشمندان علم کلام، که به آنها متکلمین می‌گویند، کسانی هستند که از طریق عقل و استدلال از معارف دینی دفاع می‌کنند. |
| تأثیر متکلمین بر فلسفه | بسیاری از متکلمان با فلسفه مخالف بودند و از فیلسوفان انتقاد می‌کردند. برخی از این انتقادها آن قدر شدید بود که مانع گسترش فلسفه در میان مردم شد و فلسفه را پس از ابن سینا، در بخشهایی از جهان اسلام به رکود کشاند. البته در ایران این انتقادها تأثیر کمتری داشت و فلسفه همچنان زنده ماند |
| تألیفات مهم ملاصدرا | « الشواهد الربوبیه»، «تفسیر القرآن الکریم»، « المبدأ و المعاد» و « الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه» |
| سفر اول عرفا | سفر از خلق به حق (خدا): در این سفر سالک می‌کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد / با مباحث عمومی فلسفه در کتاب اسفار ملاصدرا مطابقت دارد. |
| سفر دوم عرفا | سفر با حق و در حق: در این سفر سالک می‌کوشد به کمک خداوند، سیری در اسماء و صفات خداوند نماید/ با مباحث مربوط به توحید و صفات الهی فلسفه ملاصدرا مطابقت دارد |
| سفر سوم عرفا | سفر از حق (خدا) به سوی خلق، همراه با حق است. در این سفر سالک به سوی خلق باز می‌گردد در حالی که به حق توجه دارد و همه چیز را مظهر و جلوه او می‌یابد. ملاصدرا بخش سوم کتاب خود را به افعال خداوند و ربوبیت و حکمت الهی اختصاص داده است |
| سفر چهارم عرفا | سفر در خلق است با حق: در این سفر سالک می‌کوشد به کمک حق مردم را هدایت کند و آنها را نیز سالک راه حق نماید. ملاصدرا بخش چهارم کتاب خود را به « علم النفس» و مراحل شکل‌گیری آن تا رسیدن به مرحله معاد اختصاص داده است. |
| منابع حکمت متعالیه | ۱- فلسفه مشاء، به خصوص اندیشه‌های مستدل و قوی ابن سینا؛ ۲- حکمت اشراق، اندیشه‌های شیخ شهاب الدین سهروردی؛ ۳- عرفان اسلامی، به خصوص اندیشه‌های محیی الدین عربی؛ ۴- تعالیم قرآن کریم و احادیث منقول از رسول خدا و ائمه اطهار |
| اصول حکمت متعالیه | اصالت وجود/ وحدت حقیقت وجود/ مراتب داشتن وجود |
| فیلسوفان اصالت ماهیتی | برخی از فیلسوفان، از جمله میرداماد که استاد ملاصدرا بود، گفتند آن امر واقعی خارجی مصداق ماهیت است نه وجود؛ یعنی آنچه واقعی است، ماهیت است نه وجود. پس « اصالت» با ماهیت است و وجود، صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی و اعتباری است. کسانی از فلاسفه که این نظر را پذیرفتند «اصالت ماهیتی» نامیده شدند. |
| اصل اصالت وجود | او معتقد است از میان دو مفهوم وجود و ماهیت «وجود» است که اصیل و واقعی است و واقعیت خارجی، ما بازا و مصداق وجود است. پس وجود اصالت دارد، نه ماهیت. آنچه ما در خارج می‌یابیم، همه مصداق وجودند؛ البته وجودهایی متفاوت و با نقص و کمالات متفاوت. ذهن انسان، وقتی به این وجودهای متفاوت نظر می‌کند، متناسب با خصوصیات هر کدام از آنها، تصورات و مفاهیمی انتزاعی می‌نماید و تفاوت آن وجودها را با این تصورات و مفاهیم و نام گذاری‌ها مشخص می‌سازد و می‌کند و الاً آنچه در خارج است، وجود است. بنابراین، جهان، چیزی جز «وجود» و حقیقت وجود نیست |
| وحدت حقیقت وجود | بنیان دوم فلسفه صدرایی «وحدت وجود» است. او می‌گوید هستی یک حقیقت و یک واحد حقیقی می‌باشد. آنچه از کثرت در جهان مشاهده می‌کنیم، دلیل بر وجودهای مختلف و متکثر نیست، بلکه معنای دیگری دارد. براساس اصالت وجود واحد بودن وجود، وجود خارجی امری واحد است و موجودات در حقیقت هستی با هم وحدت دارند |
| مراتب داشتن وجود | اصل سوم فلسفه صدرایی / از نظر ملاصدرا، با اینکه هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد، دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. در مقام تشبیه، این حقیقت واحد، مانند یک کانون نوردرخشان است که اشعه آن به میزانی که از کانون دور می‌شوند، ضعیف و ضعیف‌تر می‌شوند و همین اختلاف در شدت و ضعف، سبب تمایز آنها از یکدیگر و پیدایش کثرت در جهان می‌گردد |

۱. دوره متقدم، میانه و متأخر به چه دوره‌هایی اطلاق می‌شود؟ از آغاز ظهور اسلام تا قرن چهارم هجری را دوره متقدم می‌دانند (که فارابی بزرگ‌ترین فیلسوف این دوره بوده است) و از قرن پنجم تا دهم را دوره میانه به حساب می‌آورند (که ابن سینا در ابتدای آن طلوع کرده است)، قرن یازدهم تا عصر حاضر را نیز دوره متأخر نام گذاری کنیم.

۲. کدام علم از همان ابتدا رقیب فلسفه بود؟ علم کلام

۳. متکلمین چه کسانی هستند؟ انتقاد آنان از فیلسوفان، چه تاثیری بر فلسفه داشت؟ دانشمندان علم کلام، که به آنها متکلمین می‌گویند، می‌خواستند از طریق عقل و استدلال از معارف دینی دفاع کنند. بسیاری از متکلمان با فلسفه مخالف بودند و از فیلسوفان انتقاد می‌کردند. برخی از این انتقادهای آن قدر شدید بود که مانع گسترش فلسفه در میان مردم شد و فلسفه را پس از ابن سینا، در بخشهایی از جهان اسلام به رکود کشاند. البته در ایران این انتقادهای و حمله‌ها تأثیر کمتری داشت و فلسفه همچنان زنده ماند.
۴. کدام عامل سبب شد تا پس از ابن سینا فلسفه در بخشهایی از جهان اسلام به رکود کشیده شود؟ انتقادات شدید متکلمین از فیلسوفان
۵. چه عاملی باعث شد پس از شکل‌گیری حکومت صفویه در ایران فلسفه وارد مرحله جدیدی شود؟ پس از دوره‌ای طولانی از کشمکش‌های اجتماعی، که در پی حمله مغول پیش آمده بود، حکومت صفویه شکل گرفت و ایران به ثبات و آرامش رسید. همین امر سبب شد که در پایتخت صفویان، یعنی اصفهان، علم و دانش رونق بگیرد و فیلسوفان بزرگی ظهور کنند و فلسفه وارد مرحله جدیدی شود.
۶. شکل‌گیری حکومت صفویه در ایران چه تاثیری بر فلسفه گذاشت؟ سبب شد که در پایتخت صفویان، یعنی اصفهان، علم و دانش رونق بگیرد و فیلسوفان بزرگی ظهور کنند و فلسفه وارد مرحله جدیدی شود.
۷. برخی از فیلسوفان بزرگ عصر صفویه را نام ببرید میرمحمد باقر مشهور به میرداماد، شیخ بهاء الدین محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهایی، میرابوالقاسم فندرسکی مشهور به میرفندرسکی و بالاخره، محمدبن ابراهیم قوامی شیرازی معروف به ملاصدرا (صدرالمتألهین)
۸. نام دو تن از استادان ملاصدرا را بنویسید مشرب آنها چه تاثیری بر ملاصدرا گذاشت؟ شیخ بهایی و میرداماد. مشرب این دو استاد گران قدر که علاوه بر علوم روز، در عرفان و انوار قلبی هم از نوادر روزگار بودند، روح و جان ملاصدرا را با ذوق و عرفان نیز آشنا و دمساز کرد. در این دوره بود که صدرا به درک جدیدی از علم و معرفت نائل شد.
۹. بنیان‌گذار حوزه فلسفی اصفهان که بود؟ میرداماد
۱۰. صاحب حکمت متعالیه کیست در کجا به دنیا آمد؟ ملاصدرا- در سال ۹۷۹ هجری قمری در شیراز به دنیا آمد
۱۱. ملاصدرا می‌گوید: «بسیاری از منسوبان به علم، علم لدنی غیبی را که سالکان طریقت بدان اعتماد دارند، انکار می‌کنند و می‌گویند هر چه جز از راه آموزش و تفکر حاصل شود، علم نیست. برخی هم گمان برده‌اند که علم حقیقی منحصر در علم فقه و ظاهر تفسیر و کلام است... ولی این هم گمانی فاسد است و گوینده آن تاکنون معنای قرآن را نفهمیده و باور ندارد که آن اقیانوسی است که پهنه اش تمامی حقایق را فرا می‌گیرد.» به نظر شما، ملاصدرا بر چه نکته‌ای تأکید می‌کند؟ ملاصدرا، همچون سهروردی توجه خاصی به شهود عرفانی و اشراق از جانب خداوند داشته و وحی قرآنی را از همین سنخ می‌دانسته و معتقد بوده حقیقت وحی، همان اشراق علم از جانب خداوند بر قلب پیامبر است.
۱۲. چرا ملاصدرا می‌گوید کسی که علم لدنی را علم نمی‌داند، قرآن کریم را نفهمیده است؟ زیرا قرآن کریم مصداق کاملی از علم لدنی و افاضه شده از جانب خداست و در همین کتاب شریف از چنین علمی برای همه پیامبران یاد شده و فرموده «العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء».
۱۳. مدرسه خان در کجا واقع شده بود و ملاصدرا چه موقع تدریس در آنجا را آغاز کرد؟ به چه دلیل عازم کهک قم شد؟ ملاصدرا پس از تکمیل تحصیلات و کسب مقام استادی به شیراز بازگشت و تدریس را در مدرسه خان شیراز آغاز نمود. جویندگان علم و حکمت به سرعت گرد او جمع شدند اما دیری نپایید که رقیبان حسد ورزیدند و در صدد آزارش برآمدند. او به ناچار عازم قم شد و در یکی از روستاهای آن به نام «کهک» حدود پانزده سال از عمرش را به تفکر و عبادت و سیر و سلوک روزگار گذراند.
۱۴. خلوت‌گزینی پانزده ساله ملاصدرا در روستای کهک، چه تاثیری بر وی گذاشت؟ خلوت‌گزینی و تفکرات و تأملات عمیق و طولانی و عبادت‌ها و ریاضت‌ها به تدریج عقل و جان صدرالدین را برای جهشی بلند در سپهر معرفت و حکمت مهیا ساخت. انوار حکمت بر او تابید و الطاف الهی پیوسته بر وی جاری گشت. اسرار و رموزی بر او آشکار شد که تا آن زمان آشکار نشده بود. آنچه را پیش از آن به برهان فرا گرفته بود از راه شهود قلبی به نحو برتر مشاهده کرد.
۱۵. ملاصدرا پس از بازگشت دوباره به شیراز چه کرد؟ پس از حدود ۱۵ سال بار دیگر به شیراز بازگشت. این بار حاکم شیراز سرپرستی مدرسه خان سپرد و او این مدرسه را به کانون اصلی علوم عقلی در ایران تبدیل کرد و واپسین دوره زندگی خود را یکسره وقف تعلیم و تالیف کتاب نمود.
۱۶. ملاصدرا کجا به کانون اصلی علوم عقلی در ایران تبدیل کرده بود؟ چه کسی سرپرستی آنجا را به وی سپرده بود؟ مدرسه خان/حاکم شیراز
۱۷. ملاصدرا در چه سنی و چگونه درگذشت؟ ملاصدرا در سال ۱۰۵۰ هجری قمری در هفتاد سالگی در راه بازگشت از سفر حج، در عراق درگذشت.
۱۸. به چند مورد از تألیفات مهم ملاصدرا اشاره کنید. «الشواهد الربوبیه»، «تفسیرالقرآن الکریم»، «المبدأ و المعاد» و «الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه»
۱۹. مهم‌ترین و مشهورترین اثر فلسفی ملاصدرا کدام کتاب است؟ به چه عنوانی مشهور است و در چند جلد و بخش است؟ «الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه» این کتاب که به «اسفار» مشهور است در نه جلد به چاپ رسیده، با الهام از سفر چهار مرحله‌ای عارفان در چهار بخش اصلی تألیف و تنظیم شده است.

۲۰. کدام کتاب دایره المعارف فلسفی ملاصدرا است؟ کتاب «الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعه» یا اسفار
۲۱. عرفا معتقدند که سیر و سلوک انسان به سوی کمال و تا رسیدن به کمال نهایی در چند سفر انجام می شود نام ببرید. چهار سفر: سفر اول، سفر از خلق به حق (خدا) / سفر دوم، سفر با حق و در حق / سفر سوم، سفر از حق (خدا) به سوی خلق، همراه با حق است / سفر چهارم، سفر در خلق است با حق
۲۲. سفر اول عرفا را توضیح دهید و بگویید با کدام مباحث فلسفی ملاصدرا مطابقت دارد؟ سفر اول، سفر از خلق به حق (خدا): در این سفر سالک می کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد / مباحث عمومی فلسفه
۲۳. مباحث عمومی فلسفه در کتاب اسفار ملاصدرا، با کدام مرحله از سیر و سلوک عرفانی تطبیق می کند؟ توضیح دهید. سفر از خلق به حق: در این سفر، سالک می کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد.
۲۴. سفر دوم عرفا را توضیح دهید و بگویید با کدام مباحث فلسفی ملاصدرا مطابقت دارد؟ سفر دوم، سفر با حق و در حق: در این سفر سالک می کوشد به کمک خداوند، سیری در اسماء و صفات خداوند نماید / مباحث مربوط به توحید و صفات الهی
۲۵. سفر سوم عرفا را توضیح دهید و بگویید با کدام مباحث فلسفی ملاصدرا مطابقت دارد؟ سفر سوم، سفر از حق (خدا) به سوی خلق، همراه با حق است. در این سفر سالک به سوی خلق باز می گردد در حالی که به حق توجه دارد و همه چیز را مظهر و جلوه او می یابد. ملاصدرا بخش سوم کتاب خود را به افعال خداوند و ربوبیت و حکمت الهی اختصاص داده است.
۲۶. سفر چهارم عرفا را توضیح دهید و بگویید با کدام مباحث فلسفی ملاصدرا مطابقت دارد؟ سفر چهارم، سفر در خلق است با حق: در این سفر سالک می کوشد به کمک حق مردم را هدایت کند و آنها را نیز سالک راه حق نماید. ملاصدرا نیز بخش چهارم کتاب خود را به «علم النفس» و مراحل شکل گیری آن تا رسیدن به مرحله معاد اختصاص داده است.
۲۷. فلسفه ای که ملاصدرا بنیان گذاشت چه نامیده می شود و نتیجه چیست؟ حکمت متعالیه / نتیجه تکاملی دو مشرب فلسفی گذشته، یعنی فلسفه مشاء و فلسفه اشراق و نیز انس دائمی وی با وحی الهی و قرآن کریم بود. به عبارت دیگر، در شخصیت وجودی ملاصدرا برهان عقلی و شهود قلبی و وحی قرآنی با هم الفت یافته و از این الفت، فلسفه ای برآمد که سرآمد فلسفه های قبل از خود شد.
۲۸. آیا بهره مندی ملاصدرا از عرفان و شهود یا وحی قرآنی، فلسفه او را به عرفان یا کلام تبدیل نکرد؟ چرا؟ خیر. زیرا وی در مقام فیلسوف می داند که میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن، این است که اولاً هر مبحثی که طرح می کند، به موضوع فلسفه، یعنی وجود و مسائل بنیادی آن، مربوط باشد و ثانیاً متکی بر عقل و استدلال عقلی باشد، نه شهود قلبی و بیان نقلی و قرآنی. ایشان این اصل را در آثار فلسفی خود، به خصوص در اسفار، مراعات کرده و در هر موردی که از شهود یا وحی الهی بهره برده، از این دو منبع نه به عنوان پایه استدلال بلکه به عنوان تأیید و شاهد کمک گرفته است.
۲۹. به عقیده ملاصدرا ملاک فلسفی بودن یک سخن چیست؟ این است که اولاً هر مبحثی که طرح می کند، به موضوع فلسفه، یعنی وجود و مسائل بنیادی مربوط به آن، مربوط باشد و ثانیاً متکی بر عقل و استدلال عقلی باشد، نه شهود قلبی و بیان نقلی و قرآنی
۳۰. به چه منظور ملاصدرا در آثار فلسفی خود از دو منبع شهود و وحی کمک می گرفت؟ از این دو منبع نه به عنوان پایه استدلال بلکه به عنوان تأیید و شاهد کمک گرفته است
۳۱. منابع حکمت متعالیه را ذکر کنید. ۱- فلسفه مشاء، به خصوص اندیشه های مستدل و قوی ابن سینا؛ ۲- حکمت اشراق، اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی؛ ۳- عرفان اسلامی، به خصوص اندیشه های محیی الدین عربی؛ ۴- تعالیم قرآن کریم و احادیث منقول از رسول خدا و ائمه اطهار
۳۲. عموم فیلسوفان و از جمله ابن سینا و ملاصدرا درباره مسائلی چون «اثبات وجود خدا»، «وجود روح» و «معاد و آینده جهان» سخن گفته اند؛ در حالی که می دانیم این مباحث در دین هم مطرح می شوند. آیا سخن گفتن فیلسوفان در این موارد، آنان را از فلسفه خارج نمی کند؟ ملاصدرا در مقام تبیین فلسفی مسائل در آنجا که در حال نوشتن کتاب فلسفی بوده از قاعده فلسفه عدول نکرده و از آن تبعیت کرده است. بحث فلسفی، آنگاه فلسفی است که پیرامون موجود بماهو موجود و با روش عقلی صورت گیرد و ملاصدرا از این قاعده پیروی کرده است؛ یعنی درست است که وی الهامات عرفانی زیادی داشته و آیات و روایات پیام های فراوانی در برداشته اند، اما این الهام ها و پیام ها در فلسفه وی تبدیل به استدلال شده و پذیرفته شده اند، نه صرفاً به عنوان یک الهام شهودی یا پیام قرآنی.
۳۳. اصول اولیه حکمت متعالیه را نام ببرید. اصالت وجود/ وحدت حقیقت وجود/ مراتب داشتن وجود
۳۴. آیا اصول و پایه های حکمت متعالیه از ابتکارات خود ملاصدرا است؟ در این باره توضیح دهید. فلسفه ملاصدرا یا همان حکمت متعالیه دارای اصول و پایه هایی است که تا عصر وی یا اساساً کسی بدان نرسیده بود و ابتکار خود ایشان بود و یا به صورتی که ملاصدرا آنها را در کنار هم قرار داد و ترکیبی فراهم آورد، به وسیله فیلسوف دیگری انجام نپذیرفته بود.

۳۵. چراگاهی فلسفه صدرایی را «فلسفه اصالت وجودی» می خوانند؟ اصل اصالت وجودی، بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدراست که بر سایر مباحث فلسفی او اثر عمیق گذاشته و به آنها رنگ و بوی «اصالت وجودی» بخشیده است. به همین جهت گاهی فلسفه صدرایی را «فلسفه اصالت وجودی» هم می خوانند.

۳۶. اصالت به چه معناست و منظور ملاصدرا از " وجود اصیل است " چیست؟ «اصالت» در این بحث، به معنای « واقعی بودن» است در مقابل این معنای اصالت، کلمه « اعتباری» قرار دارد که در اینجا، به واقعی و خارجی بودن و ذهنی بودن است؛ مثل اینکه بگوییم آسمان یک امر واقعی است. پس مقصود ملاصدرا از وجود اصیل است، این است که وجود، یک امر واقعی و بیرون از ذهن است.

۳۷. چه عواملی سبب شد ملاصدرا این نظر را بدهد که " وجود اصیل است "؟ ابن سینا در حدود شش قرن پیش از ملاصدرا نظر داد که ما از هر شیء خارجی، دو مفهوم وجود و ماهیت را به دست می آوریم؛ این دو مفهوم، متغیر یکدیگرند. بعد از ابن سینا و گذشت سالیان، برخی فلاسفه این سؤال را مطرح کردند که حال که آن شیء خارجی که منشأ پیدایش دو مفهوم متغیر در ذهن ما شده، یکی است، این یک شیء واقعا مصداق کدام یک از این دو مفهوم است «وجود» یا ماهیت؟ ملاصدرا معتقد بود وجود اصالت دارد، نه ماهیت.

۳۸. وقتی گفته می شود وجود و ماهیت غیر یکدیگرند به چه معناست؟ یعنی این دو مفهوم متغیر و متفاوت اند. مثل انسان و بشر نیستند که فقط دو لفظ هستند اما مفهوما یکی اند.

۳۹. برخی فلاسفه پس از ابن سینا پیرامون وجود و ماهیت چه سوالی مطرح کردند؟ حال که آن شیء خارجی که منشأ پیدایش دو مفهوم متغیر در ذهن ما شده، یکی است، این یک شیء واقعا مصداق کدام یک از این دو مفهوم است «وجود» یا ماهیت؟

۴۰. معنای اصالت ماهیت چیست و به کدام فیلسوفان اصالت ماهیتی گفته می شود؟ برخی از فیلسوفان، از جمله میرداماد که استاد ملاصدرا بود، گفتند آن امر واقعی خارجی مصداق ماهیت است نه وجود؛ یعنی آنچه واقعی است، ماهیت است نه وجود. پس «اصالت» با ماهیت است و وجود، صرفا یک مفهوم انتزاعی ذهنی و اعتباری است. اذهان عادی هم این نظر را بهتر می پسندید؛ آری این «انسان» (همان ماهیت) است که واقعی است، نه وجود انسانی. کسانی از فلاسفه که این نظر را پذیرفتند «اصالت ماهیتی» نامیده شدند.

۴۱. شاگرد قدرتمند میرداماد که بود؟ آیا وی نیز همچون استادش اصالت ماهیتی بود؟ ملاصدرا / خیر. او با کمال تواضع و فروتنی نسبت به استاد، موضعی دیگر گرفت و نظر دیگری ابراز کرد و گفت وجود اصالت دارد، نه ماهیت.

۴۲. اصل اصالت وجود ملاصدرا را توضیح دهید. او معتقد است از میان دو مفهوم وجود و ماهیت «وجود» است که اصیل و واقعی است و واقعیت خارجی، ما با آن و مصداق وجود است. پس وجود اصالت دارد، نه ماهیت. آنچه ما در خارج می یابیم، همه مصداق وجودند؛ البته وجودهایی متفاوت و با نقص و کمالات متفاوت. ذهن انسان، وقتی به این وجودهای متفاوت نظر می کند، متناسب با خصوصیات هر کدام از آنها، تصورات و مفاهیمی انتزاع می نماید و تفاوت آن وجودها را با این تصورات و مفاهیم و نام گذاری ها مشخص می سازد و الا آنچه در خارج است، وجود است. بنابراین، جهان، چیزی جز «وجود» و حقیقت وجود نیست.

۴۳. بیت «وجود اندر کمال خویش جاری است / تعین ها اموراتباری است» به کدامیک از اصول اولیه حکمت متعالیه اشاره دارد؟ اصالت وجود

۴۴. مفاهیم روبه رو را به صورت یک سیر نشان دهید. یک واقعیت و دو مفهوم - دو نظر - اصالت وجود - تمایز دو مفهوم - کدام واقعی؟ - اصالت ماهیت



۴۵. وحدت حقیقت وجود را از نظر ملاصدرا توضیح دهید؟ بنیان دوم فلسفه صدرایی «وحدت وجود» است. او می گوید هستی یک حقیقت و یک واحد حقیقی می باشد. آنچه از کثرت در جهان مشاهده می کنیم، دلیل بر وجودهای مختلف و متکثر نیست، بلکه معنای دیگری دارد. براساس اصالت وجود واحد بودن وجود، وجود خارجی امری واحد است و موجودات در حقیقت هستی با هم وحدت دارند

۴۶. ترجیح بند هاتف اصفهانی «که یکی هست و هیچ نیست جز او / وحده لا اله الا هو» عقیده چه کسانی را به تصویر می کشد؟ این ترجیح بند یک ترجیح بند عرفانی است و عقیده عرفا را در « وحدت وجود» به تصویر می کشد.

۴۷. عقیده عارفان در مورد وحدت حقیقت وجود چه بود؟ چگونه آن را به دست آورند و چگونه آن را اثبات می کردند؟ عارفان از دیرباز معتقد بودند که هستی یکی است و یک حقیقت است و کثرت های جهان اصالت ندارند. عارفان که این حقیقت را از طریق شهود عرفانی به دست آورده بودند، برای اثبات نظر خود کمتر به استدلال متوسل می شدند و بیشتر از طریق تمثیل و تشبیه به دیگران می رساندند.

۴۸. عارفان برای اثبات وحدت حقیقت وجود، چه تشبیهی به کار می بردند؟ آنان می گفتند نسبت حقیقت وجود به این کثرت‌هایی که می بینیم، مانند نسبت آب دریا به امواج است. این امواج فراوان که به طور پیوسته می آیند و می روند و گاه از بزرگی و عظمت آنها هم یاد می کنیم، چیزی جز همان آب نیستند که این گونه چین و شکن پیدا کرده و خود را بر صخره ها می کوبد. درخت و انسان و خورشید و جمله این امور گوناگون، مانند همان موج اند که از خود هویتی و وجودی جدای از خداوند ندارند، و جز خدا چیزی در عالم نیست.

۴۹. ملاصدرا چگونه راه را برای استدلال بر وحدت وجود هموار کرد؟ ملاصدرا که خود از عارفان برجسته بود و این وحدت را نیز شهود کرده بود، می خواست که این حقیقت را با برهان فلسفی نیز اثبات نماید. نظریه اصالت وجود، کار او را آسان کرد و راه او را برای یافتن استدلال باز و هموار نمود و دریافت که تا اثبات فلسفی وحدت وجود، قدمی کوتاه مانده است.

۵۰. از هر واقعیتی چند مفهوم به دست می آوریم؟ این مفاهیم در رابطه با اشیاء چگونه اند؟ از هر واقعیتی دو مفهوم به دست می آوریم: وجود و ماهیت؛ مفهوم ماهیت، در هر شیئی با شیء دیگر متفاوت است؛ یکی اسب است، دیگری درخت است، سومی گربه است و همین طور. اما مفهوم وجود در همه اشیاء یکی است. یعنی مفهوم وجود، مشترک میان همه اشیاء است.

۵۱. چرا به عقیده ملاصدرا جایی برای تکرار واقعی در عالم وجود ندارد؟ ملاصدرا می گوید حال که واقعیت اصالت با وجود است، نه ماهیت و وجود هم امر مشترک و واحد همان اشیاء است، پس حقیقت، یکی بیش نیست و جایی برای تکرار واقعی در عالم وجود ندارد.

۵۲. ابیات زیر به کدامیک از اصول اولیه حکمت متعالیه اشاره دارد؟ وحدت حقیقت وجود

«حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد / این همه نقش در آیینۀ اوهام انداخت / این همه عکس می و نقش نگارین که نمود / یک فروغ رخ ساقی است که در جام انداخت»

۵۳. ملاصدرا با سلوک عقلی و استدلالی خود به کدام حقیقت و کدام مرتبه ای از مراتب آیات قرآن کریم دست یافته بود؟ ملاصدرا با سلوک عقلی و استدلالی خود به همان حقیقتی رسیده بود که عارفان با شهود دیده بودند و برتر و بالاتر از آن، او به مرتبه ای از مراتب بلند معانی آیاتی از قرآن کریم، از جمله این آیه دست یافته بود که می فرمود: «همو هم اول است و هم آخر هم ظاهر است و هم باطن و او به هر چیزی علیم است»

۵۴. معنای این نظر که وجود حقیقتی مشخص است را توضیح دهید. یعنی وجود حقیقتی واحد است اما این حقیقت واحد مراتب و درجات عالی دارد. شدت و ضعف وجود مانند شدت و ضعف در نور است.

۵۵. پاسخ ملاصدرا به این سوال که اگر حقیقت یکی است، بالاخره این کثرت ها، از کجا نشئت می گیرد، چیست؟ (اصل سوم فلسفه صدرایی (مراتب داشتن وجود) را توضیح دهید. از نظر ملاصدرا، با اینکه هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد، دارای شدت و ضعف است. در مقام تشبیه، این حقیقت واحد، مانند یک کانون نور درخشان است که اشعه آن به میزانی که از کانون دور می شوند، ضعیف و ضعیف تر می شوند و همین اختلاف در شدت و ضعف، سبب تمایز آنها از یکدیگر و پیدایش کثرت در آن می گردد؛ یعنی ما در اینجا یک حقیقت به نام «نور» داریم که در مرتبه ای قوی و در مرتبه ای ضعیف است. نور قوی نور است، نور ضعیف هم نور است. نور قوی از همان جهت که نور است قوی است و نور ضعیف هم از همان جهت که نور است ضعیف است. چنین نیست که نور قوی با چیز دیگری غیر از نور ترکیب شده باشد و قوی شده باشد و یا اینکه نور ضعیف با چیز دیگری، مثلاً تاریکی ترکیب شده و ضعیف شده باشد، زیرا اصولاً تاریکی چیزی نیست، همان نبودن نور است وجود نیز که حقیقت واحدی است، در تجلیات خود دارای مراتبی می شود و هر مرتبه ای از وجود، به میزان درجه وجودی خود، ظهور آن حقیقت واحد و یگانه است.

۵۶. ابیات زیر به کدامیک از اصول اولیه حکمت متعالیه اشاره دارد؟ در هزاران جام گوناگون، شرابی بیش نیست / گرچه بسیارند انجم، آفتابی بیش نیست / گرچه برخیزد ز آب بحر، موجی بی شمار / کثرت اندر موج باشد، لیک آبی بیش نیست (مراتب داشتن وجود)

۵۷. در فلسفه صدرایی کدام مفاهیم به هم می رسند و یک معنا و هویت می یابند؟ در فلسفه صدرایی «وجود» که محور فلسفه مشائیه بود و «نور» که اساس فلسفه اشراقی بود به هم می رسند و یکی می شوند و یک معنا و هویت می یابند.

۵۸. ویژگی های سه مکتب فلسفی مشاء و اشراق و

| حکمت متعالیه | اشراق | فلسفه مشاء |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| تقویت ارتباط استدلال و اشراق استفاده از دو مفهوم «وجود» و «نور» توجه به فلسفه مشاء و اشراق استفاده از منبع وحی و قرآن کریم و کلمات معصومین بهره مندی از عرفان اسلامی | توجه به سلوک معنوی در کنار استدلال توجه به حکمت ایران باستان توجه به مفهوم «نور» | تکیه بر استدلال محض پیوستگی تاریخی به فلسفه ارسطو توجه کمتر به سلوک معنوی و اشراق توجه به مفهوم و حقیقت «وجود» |

متعالیه را بیان کنید.

۵۹. چگونه حکمت متعالیه توانست حکمت مشاء و حکمت اشراق را به یکدیگر نزدیک نماید؟ ملاصدرا هم مبانی حکمت مشاء را که از ابن سینا آموخته بود و بر محور «وجود» بود قبول داشت و هم خود اهل سلوک معنوی و اشراق بود. او توانست حقیقت معنوی و اشراق بود. او توانست حقیقت «وجود» را با معنای «نور» در فلسفه سهروردی نزدیک کند و نشان دهد که وجود و ظهور یکی است.

۶۰. آیا می‌توان دو عبارت « مراتب داشتن حقیقت وجود» و « وحدت حقیقت وجود» را در یک عبارت « وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت» جمع کرد؟ بنا بر اصالت وجود و اینکه واقعیت خارجی چیزی جز وجود نیست وجود هم یک حقیقت بیشتر نیست، پس واقعیت خارجی، یک امر واحد و یک وجود است و یک شخص و فرد از وجود. اما این یک شخص و یک فرد از وجود، دارای مراتب است. به عبارت دیگر: وجود، یک نوع مانند انسان نیست که افرادی داشته باشد. خودش یک فرد است، خودش یک شخص است، اما مراتب دارد. وی نام این مراتب را ظهورات نامید. ظهورات، چیزی جدا از خود وجود نیست. رابطه ظهور است با حقیقت وجود، مانند رابطه دریا و موج دریاست. موج، همان دریاست، همان ظهور دریاست.

سوالات جای خالی

۱. از آغاز ظهور اسلام تا قرن چهارم هجری را دوره می‌دانند که بزرگ‌ترین فیلسوف این دوره بوده است.
۲. از قرن پنجم تا دهم را دوره به حساب می‌آورند که در ابتدای آن طلوع کرده است.
۳. قرن یازدهم تا عصر حاضر را می‌توانیم دوره نام گذاری کنیم
۴. فلسفه، در همان ابتدا رقیبی به نام داشت که به دانشمندان آنها می‌گویند
۵. بنیان‌گذار حوزه فلسفی اصفهان بود
۶. متکلمین می‌خواستند از طریق عقل و استدلال از دفاع کنند
۷. برخی از انتقادهای متکلمان آن قدر شدید بود که فلسفه را پس از در بخش‌هایی از جهان اسلام به رکود کشاند.
۸. بسیاری از با فلسفه مخالف بودند و از فیلسوفان انتقاد می‌کردند
۹. محمدبن ابراهیم قوامی شیرازی معروف به ملاصدرا (صدرالمآلهین) از فیلسوفان بزرگ عصر است.
۱۰. میرمحمد باقر مشهور به از فیلسوفان بزرگ عصر صفویه بود.
۱۱. ملاصدرا در سال ۹۷۹ هجری قمری در به دنیا آمد
۱۲. ملاصدرا ابتدا به حلقه درس پیوست و سپس به پیشنهاد استاد، به درس فلسفه که بنیان‌گذار حوزه فلسفی اصفهان بود، وارد شد
۱۳. ملاصدرا در سال ۱۰۵۰ هجری قمری در سالگی در راه بازگشت از سفر حج، در درگذشت.
۱۴. مهم‌ترین و مشهورترین اثر فلسفی ملاصدرا « » می‌باشد که دایره المعارف فلسفی ملاصدرا است
۱۵. کتاب ملاصدرا با الهام از سفر چهار مرحله‌ای عارفان در چهار بخش اصلی تألیف و تنظیم شده است.
۱۶. کتاب «الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعه» ملاصدرا به «.....» مشهور است.
۱۷. عرفا معتقدند که سیر و سلوک انسان به سوی کمال و تا رسیدن به کمال نهایی در سفر انجام می‌شود.
۱۸. ملاصدرا، بعد از مباحث عمومی فلسفه به مباحث مربوط به و می‌پردازد
۱۹. در سفر سالک می‌کوشد به کمک حق مردم را هدایت کند و آنها را نیز سالک راه حق نماید
۲۰. ملاصدرا بخش کتاب خود را به افعال خداوند و ربوبیت و حکمت الهی اختصاص داده است
۲۱. در سفر سالک می‌کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد
۲۲. ملاصدرا بخش چهارم کتاب خود را به « » و مراحل شکل‌گیری آن تا رسیدن به مرحله اختصاص داده است.
۲۳. ملاصدرا، مباحث فلسفه را در بخش اول کتاب خود قرار داده است.
۲۴. در سفر سالک به سوی خلق باز می‌گردد در حالی که به حق توجه دارد و همه چیز را مظهر و جلوه او می‌یابد.
۲۵. در سفر سالک می‌کوشد به کمک خداوند، سیری در اسماء و صفات خداوند نماید.
۲۶. فلسفه‌ای که ملاصدرا بنیان گذاشت آن را رسماً « » نامید.
۲۷. حکمت متعالیه، نتیجه تکاملی دو مشرب فلسفی گذشته، فلسفه و فلسفه و نیز انس دائمی وی با وحی الهی و قرآن کریم بود.
۲۸. یکی از منابع حکمت متعالیه عرفان اسلامی، به خصوص اندیشه‌های است.
۲۹. یکی از منابع حکمت متعالیه فلسفه، به خصوص اندیشه‌های مستدل و قوی ابن سینا است.
۳۰. مقصود ملاصدرا از وجود اصیل است، این است که وجود امر است.
۳۱. اصل بنیادی‌ترین اصل فلسفی ملاصدراست که بر سایر مباحث فلسفی او اثر عمیق گذاشته است.
۳۲. ملاصدرا با سلوک عقلی و استدلالی خود به همان حقیقتی رسیده بود که با شهود دیده بودند
۳۳. عارفان برای اثبات نظر خود کمتر به متوسل می‌شدند و بیشتر از طریق تمثیل و تشبیه به دیگران می‌رساندند.
۳۴. در فلسفه صدرایی « » که محور فلسفه مشایی بود و « » که اساس فلسفه اشراقی بود به هم می‌رسند و یکی می‌شوند و یک معنا و هویت می‌یابند.